

غش و کم فروشی در معاملات در سیره رضوی

شهناز تمیوری^۱

استاد ارجمند: غلامرضا رضوی دوست^۲

چکیده:

غش و کم فروشی در معاملات حرام است، و هر کدام به گونه ای موجب تضییع اموال می شوند و تابه سازی اموال در کلام امام رضا علیه السلام مغبوض الهی شمرده شده است. اگر برنامه ریزی در امور اقتصادی و مسائل مالی درست و حسبا شده نباشد، تضییع مال خواهد بود، و اگر در داد و ستد دقت لازم به کار نرود و غبن صورت گیرد، اموال تباه می شوند. همچنین مسئله رعایت عدالت در کیل و وزن جزئی از اصل عدالت و نظم است که حاکم بر سراسر هستی است در حالات پیامبران در قرآن مجید می خوانیم که لبه تیز مبارزه آنها بعد از مسئله شرک متوجه کم فروشی بوده است، اصولاً حق و عدالت در همه چیز و همه جا یک اصل اساسی و حیات است که بر کل عالم هستی حکومت می کند بنابراین هرگونه انحراف از این اصل، خطرناک است و عاقبت بدی دارد به ویژه کم فروشی سرمایه اعتماد و اطمینان را که رکن مبادلات است از بین می برد. در باب پیمان و وزن، شرع بسیار سخت گرفته است. بنابراین، چنان چه شخصی در پی حق خویش، ولو با یک کلمه برآید، ولی در رابطه با حقوق دیگران از ناحیه خود او چنین نباشد، مصداق آیه شریفه «ویل للمطفین» خواهد بود، زیرا حرمت کم فروشی از این جهت است که یکی از مصادیق تجاوز از حق و عدل می باشد، و این امر در جمیع اعمال و رفتار آدمی، ساری و جاری است. امام رضا علیه السلام غش و کم فروشی در معامله را از گناهان کبیره می داند دمای گناهای که کیفر آنها سوختن در جهنم است، بنابراین شایسته است که مسلمانان در همه کارها به ویژه در امر خرید و فروش مراقب باشند که تقلب نکنند و حق یکدیگر را به باطل نخورند، به طور کلی اگر بخواهیم از محرمات کسب و تجارت به دور باشیم، باید همواره یاد خدا را در قلوب خود زنده نگه داریم.

کلید واژه ها: غش، کم فروشی، تقلب، معاملات

انسانها در روابط اجتماعی- که از مهمترین آنها روابط اقتصادی است- باید آرمانهای ارزشمند و والایی را در نظر داشته باشند، و شاغلان همه پست ها و فعالیت های اجتماعی در هر مقوله، باید به انسان بیندیشند و رفاه حال او را در نظر داشته باشند. چنین اندیشه هایی در روابط مردم،

^۱- طلبه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی نرجس سلام الله علیها، زاهدان، تلفن تماس ۰۹۱۵۸۴۶۰۵۱۳

^۲- عضو هیأت علمی، علوم و حدیث دانشکده ادبیات، دانشگاه س و ب، تلفن تماس ۰۹۳۵۳۴۱۹۷۴

اجتماعی سالم و انسانی می سازد، که اخلاق دینی و فضایل انسانی بر آن حاکم است. و چنین جامعه ای از استوار و بسامانی درونی و زیربنایی برخوردار می گردد، و هیچ گونه تزلزل، بی ثباتی و سستی در آن راه نمی یابد. روابط اجتماعی اگر بر اصل خودخواهی استوار گشت و همه هدف سود شخصی گردید، و هر کس به رفاه و آسایش خویش اندیشید، و گرایشها و کششها به سود و سودجویی متوجه گشت. جامعه به نابودی و واژگونی واقعی نزدیک می شود. و پیامد حتمی چنین جامعه ای سقوط و نابودی است.

اصولاً حق و عدالت و نظم و حساب در همه چیز و همه جا، یک اصل اساسی و حیاتی است، و همان گونه که گفته شده اصلی است که بر کل عالم هستی حکومت می کند، بنابراین، هرگونه انحراف از این اصل، خطرناک و بدعاقبت، و هرگونه خیانت و تقلب در امر معاملات، پایه های اطمینان و اعتماد عمومی را- که بزرگترین پیشخوانه اقتصادی ملت هاست- متزلزل و ویران می سازد و ضایعات غیر قابل جبرانی برای جامعه به بار می آورد. بسیار جای تأسف است که گاه می بینیم غیر مسلمانان در رعایت این اصل از بعضی از مسلمانان وظیفه شناس، پیش قدم ترند، و سعی می کنند اجناسشان را درست با همان وزن و پیمانه ای که روی آن نوشته اند- بدون کم و کاست- به بازارهای جهانی بفرستند و اعتماد دیگران را از این راه جلب کنند. آنها می دانند اگر انسان اهل دنیا هم باشد، راهش همین است که در معامله خیانت نکند. این موضوع نیز قابل توجه است که از نظر شرعی و حقوقی، کم فروشان در برابر خریداران، ضامن و بدهکار هستند و لذا توجه آنها جز با ادای حقوقی که غصب کرده اند ممکن نیست، حتی اگر صاحبانشان را نشناسند باید معادل آن را به عنوان رد مظالم از طرف صاحبان اصلی به مستمندان بدهند. نکته دیگر این که گاهی مسئله کم فروشی تعمیم داده می شود، به گونه ای که هر نوع کم کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می شود، به این ترتیب کارگری که از کار خود کم می گذارد، آموزگار و استادی که درست درس نمی دهد، کارمندی که به موقع سرکار خود حاضر نمی شود و دلسوزی لازم را نشان نمی دهد و در ساعات کار اداری دنبال کارهای شخصی خود می رود، هم مشمول این حکم اند و در عواقب آن سهیم هستند.

انسانهایی که در روابط اجتماعی هرگونه تعهد و تکلیف و پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی را به پشت می افکنند، و جذب پول و پول پرستی و سود بیشتر می شوند، و از جاذبه های معنوی و انسانی تهی می شوند، و بر روال آنها خصلت های اهریمنی و ماده پرستی: حرص، آز، طمع، دنیا دوستی، فزون خواهی و .. حاکم می گردد، آزادگی از بند علائق مادی از آنها گرفته می شود؛ و از درون اندیشه و روان آنان، احترام به حق و قانون و

تعهدپذیری و مسئولیت شناسی رخت بر می بندد. و اینها همه زمینه مسخ حقیقت انسان و هلاکت معنوی افراد می گردد.

در این تحقیق سعی شده است برای تبیین دیدگاه های ویژه حضرت امام رضا علیه السلام در زمینه و غش و کم فروشی در معاملات به احادیث و روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام نیز رجوع شده است. زیرا که مجموعه سخنان پیامبر و امامان و فرهنگ واحد و مکتب یگانه ای را عرضه می کند، که هر کلام و سخن (گرچه در فاصله زمانی مختلف و شرایط و اوضاع اجتماعی- سیاسی گوناگون گفته شده)، بیانگر یک جریان تعلیماتی و پرورشی منسجم و به هم پیوسته ای است که تفکیک بخشهای آن، یا دوره ای از دوره دیگر، ناممکن است، و این تفکیک به چهار چوب ها و خطوط اصلی تفکر اسلام ناب محمدی و تعالیم علوی و رضوی زیان می رساند.

غش در معاملات:

معنای غش: غش نمودن با دیگری به معنای ظاهر نمودن چیزی است خلاف آنچه پنهان نموده است، غش به معنای زینت نمودن و زیبا جلوه دادن چیزی است که خلاف مصلحت باشد، غش به معنای خدعه و خیانت است. «غش» امیختن کالای نامرغوب با کالای مرغوب است به گونه ای که قابل تشخیص نباشد، مانند روغنی که با پیه مخلوط شده یا برنج طارم را با دیگر برنج های نامرغوب، مخلوط کرده و یا چای اعلا را با چای غیر اعلا مخلوط نموده و بفروشد، و یا اینکه کالایی را که اصلی نیست با درست کردن مارک های تقلبی در میان جامعه به فروش برساند، که متأسفانه امروز جامعه ما گرفتار چنین درآمدهای حرام و کثیفی شده و گاهی خود را زرنج هم می شمارند که در طول چند سال کوتاه، سرمایه فراوانی کسب کرده اند.

تمام سرمایه ای که از این طریق کسب می شود، مال مردم است و باید به صاحبان آن بازگردانده شود و اگر صاحبان آن را نمی شناسد باید با اذن مجتهد جامع الشرائط صدقه بدهد وگرنه در فردای قیامت به افراد، بدهکار می باشد و هیچ راه نجاتی هم برای خود نمی یابد، حق الناس بسیار مشکل است و در مورد حقوق مردم باید کاملاً رعایت شود.^۱

بیان روایات درباره غش در معاملات:

رسول خدا «ص» فرمودند: هر کس در خرید و فروش با مسلمانی غش کند، از ما نیست و در روز قیامت با یهود محشور خواهد شد. زیرا یهودیان متقلب ترین افراد با مسلمانان هستند.^۲

در کنز العمال از رسول خدا «ص» آمده است:

^۱- حیدری نراقی، ۱۳۹۲، ۱۵۰

^۲- حر عاملی، [بی تا]، ج ۱۲، ۲۰۹

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ» یعنی از ما نیست آن که به دیگران غش و خیانت کند.

مردی آرد فروش بر امام صادق «ع» وارد شده حضرت به او فرمود:

«إِيَّاكَ وَالْغَشَّ فَإِنَّهُ مَنْ غَشَّ، غَشَّ فِي مَالِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غَشَّ فِي أَهْلِهِ.»
یعنی بر تو باد که ز خیانت در معامله دوری کنی زیرا آن که تقلب کند،
در اموال وی خیانت شود.

پس اگر مالی نداشته باشد، در خانواده اش خیانت شود.^۱

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا «ص» در بازار مدینه به
گندم فروشی برخورد کرد و به او فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در بازار مدینه به گندم فروشی برخورد
کرد و به او فرمود: غذای خوبی می بینم.

از قیمت آن سئوال کرد در همین حال از طرف خداوند متعال وحی آمد که ای
رسول من دست خود را در درون آن جنس کن پس پیامبر خدا «ص» چنین کرد و
در آن گندم های نامرغوب پیدا شد به فروشنده فرمود: کار تو با
مسلمانان، خیانت و غش و فریب است.^۲

امام رضا «ع» فرمودند:

عن النبي صلى الله عليه وآله: لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ مَنَّرَهُ أَوْ مَا كَرَهُ.

- از ما نیست هر کس که در کار مسلمانی غش به کار برد یا به او زیان
رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند.^۳

غش و ضرر و نیرنگ، هر کدام به گونه ای موجب تضییع اموال است. تضییع
مال صور گوناگون دارد، و گاه به دست خود انسان صورت می گیرد و گاه به
دست دیگران، مثلاً کسانی که در مواد و کالاهای موردنیاز جامعه غش به کار
می برند و سره و ناسره را مخلوط می کنند، اموال جامعه را تباه ساخته
اند.

همچنین هر نوع زیان و نیرنگی که در مسائل مالی به کار می رود و تباهی
اموال افراد و جامعه را سبب شود از نظر امام رضا علیه السلام محکوم
است.

این که در قرآن اموال مایه قوام و برپایی خوانده شده و در احادیث
پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام بر ضرورت تأمین معاش و
امور زندگی تأکید شده است، برای همین واقعیت است، باید شرایط و زمینه
های مساعد حیات آدمی فراهم باشد، تا قدرت و فراغتی برای سری باطنی و
رشد معنوی به دست آورد. پس به این جهت ها است که تباه سازی اموال، در
کلام امام مغبوض الهی شمرده شده است. با توجه به کلیت سخن امام رضا

^۱- شیخ حرعاملی، (بی تا)، ج ۱۲، ۲۱۰

^۲- قمی، (بی تا)، ۳۱۸

^۳- شیخ حرعاملی، (بی تا)، ۲۱۰

علیه السلام، اگر برنامه ریزی در امور اقتصادی و مسائل مالی درست و حساب شده نباشد، تضییع مال خواهد بود. اگر در داد و ستدها دقت لازم به کار نرود و غبت صورت گیرد، اموال تباه شده است. همچنین تبادل از راههای دیگری که به نوعی فساد اموال را موجب گردد محکوم و ممنوع است.^۱

کم فروشی:

یکی از دیگر از کسب های ممنوع و حرام تطفیف و کم فروشی است که گذشته از آن که ظلم و به حکم عقل قبیح و ممنوع است در شرع مقدس اسلام نیز تحریم شده و کم فروشان به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و به عذاب الهی تهدید شده اند چنان که خداوند در آیه شریفه می فرماید:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴) لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵) يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)»^۲

وای بر کم فروشان آنان که وقتی برای خود کیل می کنند حق خود را به طور کامل می گیرند و آن گاه که می خواهند برای دیگران کیل کند کم می گذارند آیا ایشان باور ندارند که برای روزی بزرگ برانگیخته می شوند روزی که مردم (برای حساب) در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. وای به حال کم فروشان آنان که چون به کیل (یا وزن) چیز یا ز مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند آیا آنها نمی دانند که (پس از مرگروزی برای مجازات) برانگیخته می شوند؟ (ترجمه الهی قشمه ای)

وای بر کم کنندگان در کیل آنان که چون به پیامیند بر مردم تمام گیرند و چون به کیل دهند آنها را یا به وزن دهندشان کم کنند آیا گمان نمی برند آنان که ایشان برانگیخته شوند و برای روزی بزرگ روزی که با ایستند مردم برای (حکم)، پروردگار جهانیان. (اشرفی تبریزی)

وای بر کم فروشان آنان که چون از مردم پیمانه بستانند، تمام می ستانند. و چون به دیگران پیمانه دهند یا وزن کنند، کم می دهند آیا آنان فکر نمی کنند که برانگیخته می شوند؟ برای روزی بزرگ؟ روز یکه مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان بایستند؟ (ابوالفضل بهرام پور)

^۱- حکیمی، ۱۳۷۶، ۱۴۴

^۲- مطفیفین: ۱-۳

بستگی سلامت اجتماعی به سلامت اقتصاد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نفورید مگر این که تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد، و خودکشی مکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است.

«از دیدگاه امام رضا علیه السلام این آیه، حرمت مال و احترام به مالکیت افراد را مدنظر داشته است. چون مالکیت و بستگی انسان به محصول کار و تلاش خود، حقی طبیعی و لازم است، پس رضایت او در مبادله و داد و ستد نیز شرط است، و هیچ کس نمی تواند بدون رضایت، مالی را از دست کسی درآورد و مالک آن شود.»^۲

«همچنین این آیه درواقع زیربنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی» تشکیل می دهد و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می کنند، از این رو هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده و هم را تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد قرار داده است، و «باطل» در مقابل «حق» است و هر چیزی را که ناحق و بی هدف و بی پایه باشد را در بر می گیرد. در آیات دیگری از قرآن نیز با عباراتی شبیه عبارت فوق، این موضوع تاکید شده، به طور مثال: به هنگام نکوهش از قوم یهود و ذکر اعمال زشت آنها می فرماید: وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ^۳ آنها در اموال مردم بدون مجوز و به ناحق تصرف می کردند.» بنابراین هر گونه تجاوز، تقلب، غش، کم فروشی، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، هم در تحت این قانون کلی قرار دارند، و اگر در روایات متعددی کلمه «باطل» به قمار و ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آنها باشد. و تعبیر به «اکل» (خوردن) کنایه از هرگونه تصرف است خواه به صورت خوردن معمولی باشد یا پوشیدن و یا سکونت.»^۴

«در ادامه آیه می فرماید: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» یعنی آنچه در ادامه جمله آمده مشمول یک قانون کلی است زیرا می فرماید: مگر این که تصرف شما در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت باطنی دو طرف سرچشمه بگیرد، طبق این بیان، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت

۱- نساء: ۲۹

۲- حکیمی، ۱۳۷۶، ۴۶

۳- نساء: ۱۶۱

۴- مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ۳۵۶

ها که در میان مردم رایج است چنان چه از روی رضایت طرفین صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد از نظر اسلام مجاز است. پیداست که اسلام، انسان را از تحصیل سود و دست یافتن بمال منع نمی کند، ولی می خواهد کسب مال و تحصیلی منفعت از راههای مشروع- که التزام به آنها متکفل عدم اختلال در بنیه اقتصادی جامعه و عدم اضرار به خود و دیگران است- انجام پذیرد. اسلام می خواهد حقوق فرد و جامعه محفوظ بماند و کسی به اموال دیگری دست اندازی نکند»^۱.

«سپس در ذیل آیه، مردم را از قتل نفس باز می دارد و ظاهر آن به قرینه جمله إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ رَحِيمًا: نهی از خودکشی و انتحار می باشد، یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی شود دیگری شما را به قتل برساند بلکه به خود شما هم اجازه نمی دهد که با رضایت خود خویشتن را به دست نابودی بسپارید. اما در ارتباط با این که چه رابطه ای میان مسئله «قتل نفس» و «تصرف باطل و ناحق» در اموال مردم وجود دارد؟! پاسخ این سئوال روشن است و در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم اشاره به این نکته مهم اجتماعی کرده است و آن این که یکدیگر به روابط مالی مردم براساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد، و علاوه بر این که خودکشی های شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است. حوادث و انقلاب هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده است، شاهد و گویای این حقیقت می باشد، و از آنجا که خداوند نسبت به بندگان خود، مهربان است به آنها هشدار می دهد و اعلام خطر می کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به نابودی و سقوط بکشاند»^۲.

امام رضا علیه السلام غش و کم فروشی در معاملات را در ردیف گناهان کبیره می دانند و می فرمایند:

«... و اجتنابُ الكبائر و هی قتل النفس الّتی حَرَّمَ اللهُ تعالی و أكلُ الرِّبَا بهد البیئنه... و البتخسُ فی المکیالِ و المیزان... و الاسرافُ و التّبذیر... و الخیائنه...»^۳.

- (از شرط ایمان ست) دوری از گناهان کبیره یعنی کشتن انسان- که خداوند منع کرده است- و ربا خواری پس از دلیل (که این مورد ربا است) و کم دادن و کاستن پیمان و ترازو... و اسراف و ریخت و پاش... و خیانت...

^۱- صنعتکار، ۱۳۸۰، ۱۱۱

^۲- مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ۳۵۷

^۳- حکیمی، ۱۳۷۶، ۵۵

- در این کلام، امام از گناهان کبیره سخن می گوید (یعنی گناهانی که کیفر آنها سوختن در جهنم است) شیوه های درآمد ناشمروع و گردآوری ثروت های حرام نیز از کبائر شمرده شده است. آری کم فروشی، اسراف و ریخت و پاش، خیانت، درآمد از راه ربا و سود و پول و ... در کنار قتل نفس قرار گرفته است. چه فرق می کند که انسان یکباره به حیات انسانی پایان دهد، یا با مکیدن خون او و بریدن رگ حیات اقتصادی، وی را به کم خونی و مرگ تدریجی دچار سازد.

«در آیات قرآن نیز همواره و هر جا سخن از مسائل مالی و راه های درآمد به میان آمده، حلال و حرام و ممنوع و جایز آن شیوه ها مطرح گشته است. در قرآن از «اکل مال بباطل» و «ربا» و «ظلم» و «فساد» و خوردن و بردن مال مردم به انواع راههای نادرست و کلاهبرداری و رشوه خواری و ... سخن رفته است. این تعبیر ها در مسائل مالی روشنگر این اصل است که جریان و گردش مال و فعالیت های اقتصادی ممکن است از راه های باطل و ظلم و نامشروع صورت گیرد، یعنی مقررات و حدود و شرط شرع و قرآن رعایت نگردد، و ازادانه و خودسرانه عمل شود.»^۱

«در پرتو کلام امام رضا علیه السلام شاید بتوان گفت که جریان ناسالم مال و به کارگیری اسباب باطل و داد و ستدهای غیر عادلانه و بدون تراضی، موجب فقر و محرومیت اکثریت است، و این به معنای کشتن فرد و جامعه است. آثار منفی مبادلات باطل تنها متوجه فرد نیست، بلکه توازن و تعادل کل اجتماع را به هم می زند. و هم اندام جامعه را متلاشی و نابود می کند. این چنین اصلی را قرآن بیان نموده، و جریان فاسد اموال و مبادلات اقتصادی را موجب قتل نفوس و انتحار اجتماعی معرفی کرده است، از اعجازهای علمی قرآن است در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی. و این اصل در حدیث امام رضا علیه السلام نیز به گونه ای تابناک بیان گشته است. امام در کلام خودف تغاصب و تجاوز به حقوق مالی یکدیگر را مایه قتل و کشتار و نابودی دانسته است.»^۲

«بنابراین شایسته است مسلمانان در همه کارها به ویژه در بازار و در امر خرید و فروش مراقب باشند که قلب نکنند، سر یکدیگر کلاه نگذارند، حق یکدیگر را به باطل نخورند و بازار مسلمانان را اصلاح نمایند. این کار در درزا مدت به اعتبار بازار می انجامد و بدبینی، سوء ظن و بی اعتمادی مشتری را کاهش می دهد و سرانجام به نفع بازار خواهد بود. کسانی که جنس سهمیه ای می آورند موظف هستند عادلانه توزیع کنند، باید مواظب باشند در حق مردم خیانت نکنند، جواب حق مردم را دادن در صحرای

^۱- قنبری، ۱۳۹۰، ۴۶

^۲- حکیمی، ۱۳۷۶، ۷۱

محشر و از عهده حقوق مردم بیورن آمدن بسیار دشوار است، از این رو لازم است فروشندگان ظاهر و باطن جنس را در معرض دید مشتری بگذارند و جنس خوب و بد را با هم مخلوط نکنند، و با روحیه قناعت پذیری و انصاف، برکت و خیر و عافیت را از خالق و رزاق بخواهند و مردم را شریک خالق ندانند و بر خدا توکل کنند نه دست مردم»^۱

نتیجه حاصل از این پژوهش:

غش در معاملات و کم فروشی حرام است؛ بنابراین پولی هم که در برابر جنس ناقص گرفته می شود حرام است و کسی نمی تواند در آن تصرف کند و اگر با آن پول، نان، غذا، لباس و .. بخرد و به خانه ببرد، تمام زندگی او به حرام آلوده می شود و نماز و عبادات و حج او را باطل می کند قلب او و خانواده اش راسیاه کرده، برای انجام کار حرام و گناه آلوده می گردد و به گناهان بزرگ تر گرفتار می شود. شخص کاسب و تاجر باید مراقب کسب و کار خود باشد. ترازو و یا هر چیزی که با آن وزن می کند را باید بررسی کند، مبدا کم باشد و ندانسته زیر بار حق هزاران انسان برود. از کار کم گذاشتن، از وسائل یندگی کم گذاشتن حتی از یک دکمه و نخ خیاطی کم گذاشتن، همه و همه از مصادیق کم فروشی است و گناه کم فروشی در ترازو خلاصه نمی شود؛ بلکه در متر بزاز، نخ خیاطی و ... نیز جاری است. کارمندی توجه، نویسنده کم کار و حتی سخنرانی که بی مطالعه وقت دیگران را می گیرد، از مصادیق کم فروشی است، بنابراین اگر بخواهیم در کسب و تجارت دچار مفاسد دنیوی از قبیل ربا و اجحاف و بی انصافی و کم فروشی نشویم و به طور کلی از محرمات کسب و تجارت به دور باشیم، باید همواره یاد خدا را در قلوب خود زنده نگه داریم. و برای رسیدن به این عمل مهم، راههای وجود دارد که بهترین آن، اقامه نماز است.

منابع:

۱. اصفهانی، راغب، مفردات قرآن، قم، انتشارات ذوی القربی، [بی تا].
۲. انصاری، محمدعلی، غرر الحکم و دُررُ الکلم.
۳. بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، [بی تا].
۴. حبیبی، علی، آیات الاحکام، قم، دفتر نشر مصطفی، ۱۳۷۹، چاپ اول.
۵. حسینی، سید جعفر، اقتصاد در فقه اسلامی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، چاپ اول.

۶. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، قم، مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، چاپ دوم.
۷. خوانساری، سید فضل الله، محصل الکلام، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب.
۸. رحیمی، عباس، تجارت موفق، قم، ناشر جمال، ۱۳۹۰، چاپ پنجم.
۹. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات بیروت لبنان.
۱۰. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، قم، پیام همکار، ۱۳۹۰، چاپ اول.
۱۱. صنعتکار، حسن، اخلاق در بازار، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، چاپ سوم.
۱۲. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۴. علی نراقی، علی محمد، حق الناس، تهران، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۹۲، چاپ دهم.
۱۵. قرآن.
۱۶. قمی، عباس، سفینه البحار، [بی جا]، لمنظمه الاوقاف و الشوون الخمریه دار الاسوه لطباعه، [بی تا].
۱۷. قنبری، حیدر، مکاسب به زبان ساده و روان، قم، فاتح خیبر، ۱۳۹۰، چاپ اول.
۱۸. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۱۹. میر معزی، محمد، نظام اقتصادی اسلام، تهرانف سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ دوم.
۲۰. نرم افزار نورالجنان.
۲۱. نهج البلاغه / دشتی.